

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عیدالرحیم عزیز
۲۰۱۰/۹/۹

احمد شاه مسعود و تیزاب پاشی به روی زنان اوباشان شورای نظار بخوانند

روز مردار شدن جاسوس بین المللی احمدشاه مسعود فرا رسیده است. پوره ۹ سال قبل به زندگی ننگین یک دزد، انسانکش حرفه‌ای، جاسوس چند جانبه، قاچاقبر، میهن فروش، تجزیه طلب و رهبر کلیه وطنفروشان شورای نظاری – جمعیتی خاتمه داده شد. بدون کمترین تردید که مردم و کشور مخروبه افغانستان با خوشی زایدالوصفی به استقبال ۹ سپتامبر که روز رهائی از شر یک جانی است، می شتابند. ۹ سپتامبر روز درد آور برای همراهان راه جنایت و خیانت احمد شاه مسعود هم به شمار میرود. دنباله روان این شهادت به نبودنش اشک میریزد و قوله سر می کشند که چرا سردهسته قاتلان و جواسیس نتوانست چند روز دیگر بقاء کند تا فرصت کشتار و تخریب و تجزیه کشور برایش بیشتر میسر می شد و خود خواهی های راسیستی و طرح های استعماری همسایگان حریص و امپریالیسم جهانی را مو به مو به مرحله اجراء می گذاشت. خیانت پیشگی و شارلاتانی احمد شاه مسعود آنقدر گسترش یافت که برای همسلکان اولیه اش هم بیش از آن قابل تحمل نبود، بناءً کمر به قتل وی بستند.* هموطنان داغیده ما برای نابودی سایر قاتلان و دشمنان افغانستان هم روزشماری می کنند.

هم میهنان ما از جنایات، وطنفروشی ها، قتل ها، دزدی ها و غارتگری های احمد شاه مسعود کاملاً واقف اند. اینک پرده از یک راز ناگفتنی دیگر برمیدارم که تا حال بر همه پوشیده بود. زمانی که احمد شاه مسعود و گلبدین حکمتیار دوستان اخوانی جان جانی در سال های اخیر نظام سلطنتی بودند، در بعضی توطئه های اخوانی به هدایت سازمان جاسوسی پاکستان مشترکاً با هم فعالیت میکردند. از آن جمله پاشیدن تیزاب بر سر و روی و پا های دختران و زنان در جاده های کابل بود. پیروان بی وجدان و شرف باخته این جاسوس بی بدیل، از بدخشان تا چترال کثافت سگ را به روی خود می مالند تا بتوانند حقایق تاریخی را بپوشانند و یا دگرگون جلوه دهند. اما ضربات فرق شکن و رسواکن جبر تاریخ، توان مقاومت را ازین طفیلی ها ربوده و چهره های چرکین و آلوده از خیانت آن ها را از زیر دلاق مسعودی نمایان ساخته است.

موضوع جنایت تیزاب پاشی احمد شاه مسعود و گلبدین حکمتیار را پال فیتز جرال (Paul Fitzgerald) و الیزابت گولد (Elizabeth Gould) در کتاب شان افشاء نموده اند. این کتاب با ارزش "تاریخ غیر مرئی: حاکمیت ناگفته افغانستان" (Invisible History: Afghanistan's Untold Story) نام دارد که مطالعه آن را به محققان مسایل تاریخی و سیاسی افغانستان سفارش می کنم. به علاوه افشای این جنایت مسعود و حکمتیار که جزء کوچک محتویات این اثر است، کتاب از پالیسی های تخریبی امریکا در افغانستان در سیر تاریخی آن پرده می دارد.

مؤلفین در صفحات ۱۱۳-۱۱۵ می نویسند که جریان برادران اخوانی قطب و رمضان که به سی آی ای (CIA) و ام آی ۶ (MI6) ارتباط داشتند، به اثر مجاهدت برهان الدین ربانی و پیروان اش در افغانستان ریشه گرفت. امریکا از گروه های اسلامی به ضد چپی ها و کمونیست های مورد حمایت شوروی، مخفیانه پشتیبانی میکرد. افراطی ترین اسلامیت ها مخالف اصلاحات شاه در پوهنتون کابل به دور عبدالرسول سیاف، برهان الدین ربانی و غلام محمد نیازی فعالیت داشتند که از طریق ایشافونديشن از کمک سی آی ای مستفید می گردیدند. دو پیرو برجسته یعنی احمد شاه مسعود و گلبدین حکمتیار (مؤلفین کلمات پنجشیری و پشتون را در اول نام های این دو جانی ذکر نموده که من نظر به روش مطبوعاتی خود از تحریر آن ها منصرف شدم) سال های بعد یک وسیله تبلیغاتی مطبوعات امریکا در جنگ مخفی این کشور علیه شوروی قرار

گرفتند. منحيث محصل در اواخر دهه شصت، حکمتيار و مسعود شهرت متعصبين خطرناک را داشتند که چهره زن را بد شکل می ساختند و مخالفين سياسی خود را تا سرحد مرگ لت و کوب میکردند. هر دو، مسعود و حکمتيار از زمره مؤسسين "جماعت اسلامی" در افغانستان بودند که نفرتی عمیقی از زن داشته و به روی آنهائی که حجاب نداشتند، تيزاب می پاشيدند.

مؤلفين کتاب از قول یک خانم افغان که حالا در امريکا حیات به سر میبرد، می نویسد:

روزی او شاهد یک حادثه دلخراش در فاکولته ادبیات بود. دوتن از محصلين مشکوک که متعلق به دو محوطه مختلف پوهنتون بودند در ساحه فاکولته ادبیات به پا های یک محصله زیبا که دامن بالای زانو پوشیده بود، تيزاب پاشيدند. دختر جوان فریاد مهبی کشید و دیدیم که پوست از پاهایش جدا شده و آویزان ماند. آن دو محصل مجرم به سوی فاکولته انجیری فرار نمودند. محصلاتی که در محل حادثه حاضر بودند گفتند که آن دو محصل حمله کننده مربوط به "حزب اخوان المسلمین" بودند. بعد تر از بعضی استادان آموختم که حمله کنندگان عبارت بودند از احمد شاه مسعود از پنجشير و گلبدین حکمتيار از قندوز. من حمله کنندگان را نه قبلاً دیده بودم و نه بعد از آن حادثه دیدم. لکن بعد از دوازده سال چشم های حمله کنندگان را به وضاحت به یاد آوردم و قتیکه این دو تن در جنگ های ضد قوای متجاوز شوروی معروف شدند. من عکس های شان را منحيث "مجاهدين" در تمام جهان مشاهده کردم.

حادثه ناگواری که در بالا ذکر شد صرف یکی از همچو اعمال ضد بشری این دو فرومایه تاریخ بود. کسانی که در آن زمان در کابل زندگی می کردند کاملاً به یاد دارند که حادثه تيزاب پاشی به سر و رو و پاهای زنان چندین بار در شهر کابل اتفاق افتاد که مسؤولیت همه متوجه اعضای "حزب اخوان المسلمین" می شد که از حمایت امريکا هم برخوردار بودند. خانم های کودن، پرعقده و تطميع شده و مرد های شیداد و زن ستیز که سنگ احمد شاه مسعود را به سینه می زنند و از او بت قابل پرستش برای خود تراشیده اند، یک چیز را فراموش نکنند که حین پرستیدن بت شان، منظره شاله شدن گوشت و پوست خواهران خود را در ذهن مسموم شده ای شان ترسیم نمایند و بعد به سجده بت و سائیدن سر متوصل گردند.

سوانح زندگی احمد شاه مسعود این ابر مرد خیانت و جنایت و این پیشقراول تجزیه طلبان و دون همتان تاریخ نشان می دهد که کمتر فردی میتواند درین جهان با او در میهن فروشی و جاسوسی، دزدی و غارتگری، قتل و جنایت و سرانجام خیانت به خاک و مردم خویش رقابت کند. من هم او را به حیث قهرمان کلیه دشمنان وطن می شناسم و روز قتل او را برای کشور و مردم خویش به فال نیک می نگرم.

* نوت: در مورد قتل احمد شاه مسعود نظرات مختلفی ارائه شده است. نظر اول القاعده را مسؤول نابودی وی میداند. احمد شاه مسعود سعی نمود که با کمک سی آی ای، بن لادن را سر به نیست کند، اما بن لادن پیش دستی نموده خودش را به جهنم فرستاد. نظر دوم دست اف اس بی (کی جی بی سابق) سازمان جاسوسی روسیه را در قتل احمد شاه مسعود شریک میداند. روسیه دانست با وجود سرمایه گذاری سیاسی و مادی وسیعی که بر احمد شاه مسعود کرد؛ این شخص خورا به امریکا فروخته و دیگر آن معتمد سابق شان نمیباشد. نظر سوم سی آی ای را قاتل احمد شاه مسعود میداند. سی آی ای فهمید که احمد شاه مسعود به آنها دروغ گفته و فقط وقت گذرانی میکند تا پول بیشتر از سی آی ای به دست آورده بدون آنکه به تعهدات خود جامه عمل بپوشاند. سی آی ای درک نمود که احمد شاه مسعود یک جاسوس نا مطمئن بوده که قلبش به ایران و روس نزدیک تر بود. لذا نابودی وی یک فرد کاذب را از سر راه سی آی ای دور ساخت. در حال کنونی، نظر اول یعنی نقش القاعده در قتل احمد شاه مسعود نظر مسلط شمرده میشود.